

◇ فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ

سال چهارم. شماره سیزدهم. پاییز ۱۳۹۱

صفحات: ۸۴ - ۷۱

تاریخ وصول: ۱۳۹۰/۱۲/۱۵ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۵/۲۱

سابقه و ساختار پوشش زنان از دوران ایران باستان تا اسلام

زینب ایزدخواستی*

مریم ایزدخواستی**

چکیده

این مقاله به معرفی وضعیت پوشش و سیر تحول این جریان ازدوره باستان تا دوره اسلام پرداخته بود. با بررسی متون دینی اعم از تورات، انجیل و بررسی قوانین مدنی در جوامع قبل از اسلام مانند ایران و... که تابع متون مقدس بوده اند و مطالعه پیرامون تاریخ و ساختار پوشش در این ادوار و ادیان می‌رساند که پوشش یک فضیلت اخلاقی و انسانی در تمدنهای بشری به حساب می‌آمده و افراد جامعه خود را مقید به آن می‌دانسته و انحراف از آن به نوعی مقابله با ارزشهای تثبیت شده بوده که مؤاخذه و مجازات به همراه داشته است. پس پوشش در گذر زمان تغییر شکل بنیادی و اصولی نداشته جز تفاوتی اندک آن هم در شکل پوشش که به فرهنگ و عرف و مقتضیات زمان و شرایط هر دوره ای برمی‌گردد.

کلید واژگان: پوشش زنان، ایران باستان، اسلام.

*دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شوشتر، مربی گروه تربیت معلم قرآن کریم، شوشتر، ایران. (نویسنده مسئول: z.danesh pajouh@gmail.com)

**دانشگاه پیام نور، مرکز شادگان، مربی گروه معارف، شادگان، ایران.

مقدمه

بر اساس پژوهشها، از آغاز پیدایش انسان، هر یک از زن و مرد کوشیده است تا پوشش مناسب خود را تهیه کند؛ آدمی نخست با برگ درختان، سپس با پوست حیوانات و بعدها با دست بافتهای خود، خویش را پوشاند. ویل دورانت^۱ درباره پوشاک انسان و تاریخ صنعت بافندگی می نویسد: از وقتی که انسان بافندگی را آغاز کرد بر حسب ضرورت سوزن و سنجاق را ساخت، با پشم گوسفند و الیاف گیاهان لباسهایی را برای خود تهیه کرد. و با پیشرفت صنعت و دست یافتن به منابع و ابزار جدید، پوشش نیز از تغییرات تکاملی بهره مند گردید و انسان به پوشاک مناسب تر دست یافت (دورانت، ترجمه آرام و همکاران، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۱۵۵). نکته قابل توجه آن است که اگر چه حیات آدمیان از همان آغاز با «پوشش» پیوند خورده است، به دلیل وجود نوعی احساس حیای طبیعی در جنس زن، زنان در طول تاریخ در امر پوشش تلاش و جدیت بیشتر از خود نشان داده اند. بی سبب نیست که همواره پوشاک با مدنیت و تمدن بشری ارتباط مستقیم داشته و هر چه تمدن انسان جلوتر رفته تکه های پوشش او بیشتر شده است و تنها در قرن بیستم است که مشاهده می شود تمدن با عریانی و برهنگی همراه می شود. بسیاری از متفکران، برابر آیات قرآن و کتب مقدس معتقدند: آدم و حوا بدون حضور ناظری بیگانه از برهنگی احساس شرم کردند و بدون آن که تحت تأثیر هیچ آموزه ای قرار گیرند، به وسیله برگهای درختان بهشتی به سرعت خود را پوشانند. قرآن کریم می فرماید: «فلما ذاقا الشجرة بدت لهما سواتهما و طفقا یخصفان علیهما من ورق الجنة؛ اعراف: ۲۷» و آنگاه که آدم و حوا از آن درخت ممنوع چشیدند، پوشش خود را از دست دادند [عورتشان آشکار گردید] و به سرعت با برگ درختان بهشتی خود را پوشانند. «و در کتاب مقدس نیز می خوانیم: «چون زن دید که آن درخت برای خوراک نیکو است و به نظر خوش نما و درختی دلپذیر و دانش افزاست. پس از میوه اش گرفته بخورد و به شوهر خود نیز داد و او خورد. آنگاه چشمان هر دوی ایشان باز شد و فهمیدند که عریانند؛ پس برگ های انجیر به هم دوخته، سترها برای خویشتن ساختند... و خداوند، رختها برای آدم و زرش از پوست بساخت و ایشان را پوشانید». کتاب مقدس، سفر پیدایش، ۳: ۶-۸ و ۲۰-۲۱»

ثانیا، گزارشهای موجود به خوبی اثبات می کند که پوشش زنان به عنوان حجاب، در نقاط مختلف جهان به طور کامل رعایت می شده و در بعضی از موارد با شدت و سختی همراه بوده است. ثالثا، اگر اکنون نیز به لباس ملی کشورهای جهان نگاهی شود، معمول بودن پوشش زنان به خوبی در یافته می شود. از سوی دیگر متداول بودن پوشش در میان ملل مختلف که عقیده، مذهب و شرایط جغرافیایی متفاوت داشتند، نیز نشان دهنده تمایل فطری زنان و مردان بخصوص زنان به پوشش دانسته شده است و دانشمندان، تاریخ پوشش زن را به دوران ما قبل تاریخ و عصر حجر نسبت می دهند. بنابراین جلوه های پوشش در میان زنان ایران چنان چشمگیر است که برخی از اندیشمندان و تمدن نگاران، ایران را منبع اصلی ترویج پوشش در جهان معرفی کرده اند (دورانت، ترجمه آرام و همکاران، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۷۸). نگاهی کوتاه به دوره های متمدن زندگی ایرانیان نشانگر آن است که حفظ حریم فردی و بین فردی

۱. Durrant, V.

از اهمیت زیادی برخوردار بوده است و این امر خصوصا "در امر پوشاک آنان خودنمایی می کند، چنانچه بیرون بودن بیش از گردی صورت و کف دو دست، بی حرمتی محسوب می شده و افراد خصوصا بانوان این امر را رعایت می کرده اند؛ بنابراین ساختار پوشاک زنان در ایران، نشانگر عمق نگاه باستانی فرهنگ ایرانی در خصوص پوشش زنان، حریم بین فردی و تأثیر و تأثر آن در رشد فرد و جامعه است.

بر اساس آنچه آورده شد، پوشاک و پوشش انسان به اندازه تاریخ پیدایش بشریت قدمت دارد و این در حالی است که در جهان امروز بی بندوباری پوششی شیوع پیدا کرده و به دنبال همین شیوه، فساد و بی بندوباری، دنیا را فرا گرفته و بسیاری از جوانان ایران هم با القای شبهاتی بر این باورند که پوشش مخصوص دین اسلام است و پدیده ای است که با ورود اسلام به ایران مطرح شده است و توجیه شان این است که ایرانی اصل و تبارش به زرتشت و آیین او برمی گردد؛ بنابراین رعایت پوشش به این جدیتی که در آموزه های دین اسلام مطرح است لزومی ندارد و امثال این شبهات ضرورت مطرح کردن چنین مباحث مبتلابه ای را هر چند به طور مکرر ایجاب می کند؛ اما روشنگری این موضوع مستلزم نگرشی به تاریخ مستند پوشش در ادیان الهی می باشد.

سابقه پوشش در ایران باستان

دوره عیلام (ایلام)

یکی از سرزمینهایی که اطلاعات تقریباً موثقی از آن، از طریق مجسمه ها و آثار باستانی به دست آمده عیلام است، «هر چند زبان، خط، مذهب و حتی رسوم ایلامیها یعنی اقوام ساکن در آن سرزمین با سومریها یا اکدیها متفاوت بوده است، اما آنها در همه زمینه ها دارای ریشه و وجوه مشترک فراوانی هستند» (متین، ۱۳۸۶، ص ۱۳).

مهم ترین اثری که جزییات تن پوش ایلامیها را می نماید نقش برجسته زنی اشرافی است بر قیر طبیعی؛ در این نقش برجسته زنی نشسته بر روی چهار پایه ای مشغول رسیدن نخ میباشد، او پیراهنی بر تن دارد و شالی با حاشیه زیبایی شانه چپ او را پوشانده است؛ آستین کوتاه پیراهن در بازوی راست از حاشیه ای همانند حاشیه دمپای شال تشخیص داده می شود و یکی دیگر از تن پوش های بی نظیر زنان ایلامی که از فرهنگ والای این قوم حکایت می کند تن پوشی است که در مجسمه عاجی مربوط به هزاره دوم پیش از میلاد، نشان داده شده است؛ این تن پوش با تزیینات مخصوصی که دارد لباس رسمی و تشریفاتی زنان عیلامی را نشان می دهد، در قسمت جلو و پشت، پیراهن دارای تزییناتی مانند نوار دوزی و شلال دوزی است. دامن آن کاملاً بلند و در لبه پایین دامن و بالای تنه پیراهن شیارهایی تزیینی دیده میشود آستین کوتاه پیراهن نیز دارای حاشیه دوزی تزیینی است شالی نیز بر روی شانه افکنده شده که قسمت راست جلو و پشت پیراهن را فرا گرفته است این شال نیز از دوختهای تزیینی در حاشیه برخوردار است. (غیبی، ۱۳۸۴، ص ۵۲-۵۳)

ضیاء پور (۱۳۴۹، ص ۴۰) گزارش می کند که: «در نتیجه پژوهشهای پی گیر در مورد ایلام متوجه شدم

که ایلام در چهار هزار سال پیش از میلاد در محل فعلی خوزستان حضور داشته و دارای استقلال تمدن، فرهنگ، خط و زبان بوده است و از این رو، فرم تن پوشها نیز تا اندازه‌ای استقلال خود را حفظ کرده‌اند و در منطقه، در آن زمان منحصر به فرد بوده‌اند و فرم تن پوشی که در نقش برجسته جام سیمین مرودشت وجود دارد از نوعی استقلال برخوردار است که نظیر آن در هیچ یک از مناطق بین النهرین دیده نشده است.

«جیمز لیور^۱» می‌نویسد: «در نقش برجسته‌هایی که در نینوا یافت شده‌اند چهره زنها به ندرت دیده می‌شود؛ دانستن این نکته جالب است که به موجب قانونی که حدود هزار و دویست سال پیش از میلاد وضع شده بود زنان شوهردار آشوری مجبور بودند در ملاء عام نقاب به چهره داشته باشند و این قدیمی‌ترین سابقه عرفی است که در آن نواحی پاییده است و همچنین تن پوش آزاد، بدون فرم و ساده و در حقیقت بدون دوخت مانند تن پوش مصریها، آشوریها، یونانیها و رومیها نشانه‌ای از بزرگی و تمدن در آن دوره بوده است و تن پوش‌های چسبان و دوخته شده نوعی توهین و بی‌تمدنی و ابتدایی تلقی می‌شده است» (غیبی، ۱۳۸۴، ص ۴۳-۴۲).

چنانچه از آثار باقی مانده در این دوره آشکار است؛ پوشش برای مردم این دوره قابل توجه و اهمیت بوده است؛ هر چند که این آثار در بعضی موارد پوشش کامل را نشان نمی‌دهد؛ اما آنچه را که می‌توان به آن اعتراف کرد این است که پوشش به طور نسبی وجود داشته است به طوری که بیشتر پوشش‌ها بلند و قسمت‌های مختلف بدن را می‌پوشاند. نکته مهم دیگر این که، این آثار بیشتر نشانی از پوشش شاهان و بزرگان و خواص جامعه دارد که معمول است بهترین و تشریفاتی‌ترین لباسها را به تن داشته‌اند، چه بسا لباس عوام بسیار پوشیده‌تر از اینها باشد. و همچنین کلاه برای زنان و مردان قسمتی از پوشش محسوب می‌شده است و حتی در دوره‌ای روبند برای زنان جزء پوشش‌های اصلی به شمار می‌آمده است.

دوره مادها (۷۰۸ ق.م)

«همچنین طبق نقوش برجسته و مجسمه‌های ما قبل میلاد، پوشاک زنان آن دوره از لحاظ شکل، با کمی تفاوت، با پوشاک مردان یکسان است» و «مرد و زن به واسطه اختلافی که میان پوشش سرشان وجود دارد، از هم تمیز داده می‌شوند» (ضیاءپور، ۱۳۴۹، ص ۵۴).

«یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهد که زنان ایران زمین از زمان مادها که نخستین ساکنان آریایی ایران زمین بوده‌اند؛ پوشش کاملی شامل پیراهن بلند چین دار و شلوار تا میچ پا و چادر و شنلی بلند روی لباسها و کفش داشته‌اند؛ البته، نقش برجسته‌ای که در کورنگان بهبهان، از این دوره به دست آمده، نشان دهنده نوع دیگری از پوشاک در میان زنان مادی می‌باشد که زنان را با تن پوشی ساده نشان داده‌اند که نوعی پوشش هم روی سرشان دیده می‌شود». (غیبی، ۱۳۸۴، ص ۱۰۳-۱۰۲) «و همچنین جامی نقره‌ای متعلق به پنج هزار سال پیشاز مرودشت فارس به دست آمده که نقش زنی بر آن حک شده است و پوشش سرش به صورت نواری، گرد سرش را فرا گرفته و کلاه کوچکی بر سر دارد که موهایش را از بالا به پایین پوشانده است». (شهشانی، ۱۳۷۴، ص ۲۷)

۱. James liver

دوره پارسی‌ها (هخامنشیان ۵۵۰ ق.م)

پارسی‌ها که سلسله هخامنشی را تأسیس کردند. آنها از نظر لباس همانند مادها بودند. (متین، ۱۳۸۶، ص ۲۲) این درست است که شاهنشاهی بزرگ ماد دوران طولانی نپایید و جای خود را به هخامنشی بزرگ سپرد؛ ولی نکته بسیار مهم این که شاهنشاهی هخامنشی چیزی جز تداوم تمدن و دولت مادی نبود، همان اقوام و همان مردم، روندی را که برگزیده بودند با پویایی و رشد بیشتر تداوم بخشیدند؛ بنابراین در مورد پوشاک خاص زنان این دوره تصویر به جا مانده بر روی تخته سنگهای دوره هخامنشی نشان می دهد که شباهتی بین لباس زنان و مردان پارسی وجود داشته است. زنان پارسی به جز لباس شبیه آنچه ملکه می پوشیده، لباس دیگری نیز داشته اند، پیراهن آنان پوششی ساده، بلند یا دارای راسته زیر را می پوشانید. نقوشی که روی فرش پازیریک که در سیبری پیدا شده و آنرا مربوط به ایران در دوران هخامنشی میدانند، این مطلب را تصدیق می کند؛ زیرا زنانی که بر روی این فرش نقش کرده اند پوششی سر اندر پا چیزی شبیه چادر روی همه پوشاک خود داشته اند. (پوربهن، ۱۳۸۶، ص ۷۳؛ ضیاءپور، ۱۳۴۹، ص ۵۸ و ۶۱)

دوره اشکانیان (۲۵۰ ق م)

در این دوره نیز همانند گذشته، پوشش زنان ایرانی کامل بوده است. در این باره چنین می خوانیم: «لباس زنان اشکانی پیراهنی بلند تاروی زمین، گشاد، پرچین، آستین دار و یقه راست بوده است و پیراهن دیگری روی آن را می پوشانیده است. قد پیراهن دوم نسبت به اولی کوتاه و ضمناً یقه باز بوده است و روی این دو پیراهن چادر به سر می کردند» پیراهن ها از پارچه های منقش (مخصوصاً قلاب دوزی شده) تهیه می شده است. آنان کفش ساده دوران اشکانی را به پا می کردند و کمربندشان منحصر به نواری بوده که برای جمع کردن گشادی پیراهن در زیر سینه می بستند (متین، ۱۳۸۶، ص ۲۵)

همچنین گفته شده: «بانوان پارچه ای را همچون شل از روی دوش های خود می آویختند و یا از آن مانند چادر استفاده می کردند و گاه آن را دور کمر می بستند و همچنین چادر آنها در پشت سر به کلاه بلند و مخروطی شکل وصل می شده است که مانند تور عروس از پشت سر آویزان بود زنان اشکانی در پوشش سر و استفاده از چادر بسیار پیشرفته تر از زنان هخامنشی بودند و کلاه عمامه وار آنان تقریباً بیشتر موهای آن ها را می پوشاند.» (غیبی، ۱۳۸۴، ص ۱۹۱) نقش برجسته پالیر در موزه «لوور» زنی از دوره اشکانی را نشان می دهد. این زن چادر به سر دارد و زیر آن عمامه اش به خوبی نمایان است. بر بالای پیشانی (پایین عمامه) فلزی پهن منقوش و برجسته چون نواری موهای جلوی سر را پوشانده و با وضع مطلوبی به عقب سر برده است. در جای دیگر آمده است: «چادر زنان اشکانی به رنگ های شاد و ارغوانی و یا سفید بوده است.» (ضیاءپور، ۱۳۴۹، ص ۸۳؛ متین، ۱۳۸۶، ص ۲۵)

دوره ساسانیان (۲۲۴ میلادی)

در این دوره اردشیر دین زرتشت را دین رسمی کشور قرار داد زنان در این دوره همچنان دارای پوشش کامل بودند. در مورد پوشاک زنان این دوره چنین آمده است: «چادر که از دوره های پیش مورد استفاده بانوان ایران بوده است، در این دوره نیز به صور مختلف مورد استعمال داشته است»

«بررسی نقوش سنگی و طرحهایی از چندین بشقاب باستانی نشان می‌دهد که بانوان ساسانی پیراهنی بلند با آستین یا بدون آستین، پرچین و گشاد می‌پوشیده‌اند و آن را با نواری در زیر سینه مانند زنان اشکانی جمع می‌کردند، از طرز قلم زنی و چین سازی پیراهن و دامن پیداست که در انتهای دامن بر پشت پا، پارچه‌ای اضافه و پرچین به آن دوخته‌اند یقه پیراهن آنان اغلب گرد ولی یقه جلو باز تا پایین تر از سینه نیز دیده می‌شود زنان ساسانی گاهی چادر گشاد و پرچین سر می‌کردند که تا ساق پا می‌رسیده است» (چیت ساز، ۱۳۷۹، ص ۱۴-۱۵).

با توجه به مطالب ارائه شده به جرئت می‌توان گفت که در تمامی دوره‌های قبل از اسلام پوشش به نحو مطلوبی در ایران وجود داشته است به طوری که تمام ادیان آسمانی، پوشش زن را واجب و لازم شمرده‌اند و جامعه بشری را به سوی آن دعوت کرده‌اند؛ زیرا پیش از هر دلیلی، لزوم پوشش به طور طبیعی در فطرت زنان به ودیعت نهاده شده است و احکام و دستورهای ادیان الهی هماهنگ و هم سو با فطرت انسانی تشریح شده است، پس در همه ادیان الهی پوشش زن واجب گشته است. در ادیان زرتشت، یهودیت، مسیحیت و اسلام، پوشش زنان امری لازم بوده است. کتابهای مقدس مذهبی، دستورها و احکام دینی، آداب و مراسم و سیره عملی پیروان این ادیان الهی، بهترین شاهد و گواه اثبات این مدعاست.

«سابقه پوشش در آیین زرتشت، یهودیت، مسیحیت»

آیین زرتشت

زرتشت در حدود بیش از هزار سال (به روایاتی بیش از هزاران سال) پیش از میلاد مسیح، بر عفت باطنی در کنار پوشش ظاهری پافشاری کرده است.

به پند و اندرزهای «آشوزرتشت» توجه شود، تا تلاش وی برای تعالی و آموزش مبانی پوشش و بیان لزوم توأم نمودن پوشش ظاهری با عفت باطنی، روشن تر شود؛ او می‌فرماید: ای نو عروسان و دامادان!... با غیرت، در پی زندگانی پاک منشی بر آید... ای مردان و زنان! راه راست را دریابید و پیروی کنید. هیچ گاه گرد دروغ و خوشیهای زودگذری که تباه کننده زندگی است، نگردید؛ زیرا لذتی که با بدنامی و گناه همراه باشد، همچون زهر کشنده‌ای است که با شیرینی در آمیخته و همانند خودش دوزخی است. با این گونه کارها، زندگانی گیتی خود را تباه مسازید. پاداش رهروان نیکی، به کسی می‌رسد که هوا، هوس، خودخواهی و آرزوهای باطل را از خود دور ساخته، بر نفس خویش چیره گردد و کوتاهی و غفلت در این راه، پایانش جز ناله و افسوس نخواهد بود. فریب خوردگانی که دست به کردار زشت زنند، گرفتار بدبختی و نیستی خواهند شد و سرانجامشان خروش و فریاد و ناله است. (شهرزادی، ۱۳۷۶، ص ۵۳)

اما در دین زرتشت، لباس با کیفیت خاصی برای پوشش زنان واجب نشده است؛ بلکه لباس رایج آن زمان که شامل لباس بلند، شلوار و سرپوش - یعنی چادر یا شنلی بر روی آن - بوده است، مورد تقریر و

تنفیذ قرار گرفته است. هر چند که استفاده از سدره^۱ و کشتی^۲ لباس مذهبی ویژه زرتشتیان - توصیه شده است. (خرده اوستا، آفرینگان دهمان، ۱۳۱۰، ص ۴۰۳)

گفته شده «پوشاکی که بانوان زرتشتی از آن استفاده می کنند، شباهتی بسیار نزدیک به پوشاک بانوان نقاط دیگر کشور ما دارد؛ چنان که روسری آنان از نظر شکل و طرز استفاده، نظیر روسری بانوان بختیاری است و پیراهن، شبیه پیراهن بانوان لر در گذشته نزدیک است و شلوار، از لحاظ شکل و بُرش، همان شلوار بانوان کرد آذربایجان غربی است و کلاهک، همان کلاهک بانوان بندری است» (حمزه، ۱۳۸۵، ص ۱۳۸؛ محمدی آشنایی، ۱۳۷۸، ص ۱۵۲)

بر پایه آنچه از این دین باستانی ایرانیان بر می آید و مؤیدان هم اکنون نیز بر آن پافشاری میکنند؛ پوشش زن باید به گونه‌ای باشد که حتی یک تار موی او نیز آشکار نگردد. در خرده اوستا نیز چنین آمده است: «همگان نامی ز تو بر گوئیم و همگان سر خود را می پوشیم و آنگاه به درگاه دادار اهورامزدا نماز می کنیم» پس بر هر مردوزن واجب است که هنگام انجام مراسم عبادی و نیایش، سر خود را بپوشاند. (خرده اوستا، ۱۳۱۰، ص ۴۰۳)

در نظام دینی و فرهنگی آیین زرتشت «زنان همان گونه که عادت پیشینیان بود، منزلت عالی داشتند. زنان طبقات بالای اجتماع جرأت آن را نداشتند که جز در تخت روان سرپوش دار از خانه بیرون بیایند و هرگز به آنان اجازه داده نمی شد که آشکارا با مردان رفت و آمد کنند. زنان شوهردار حق داشتند هیچ مردی را ولو پدر و برادرشان باشد، ببینند. در نقش هایی که از ایران باستان به جا مانده است، هیچ صورت زنی دیده نمی شود» (دورانت، ترجمه آرام و همکاران، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۵۵۲).

جایگاه فرهنگی پوشش در میان زنان نجیب ایران زمین به گونه‌ای است که در دوران سلطه کامل شاهان، هنگامی که خشایار شاه به ملکه «وشی» دستور داد که بدون پوشش به بزم بیاید تا حاضران زیبایی اندام او را بنگرند، وی امتناع کرد و از انجام فرمان پادشاه سر باز زد. به دلیل این سرپیچی، به حکم دادوران، عنوان «ملکه ایران» را از دست داد. نقل این داستان در عهد عتیق چنین آمده است: «... امر فرمود و شتی ملکه را با تاج ملو کانه به حضور پادشاه بیاورند تا زیبایی او را به خلیق و سروران نشان دهد؛ زیرا که نیکو منظر بود اما؛ و شتی نخواست (کتاب مقدس، استر، ۱:۱۰).

در تأثیر آیین زرتشت بر ساختار پوشش در جامعه ایران، می توان گفت: از آن جا که مرکز بعثت «آشو زرتشت» ایران بوده است و آن حضرت در زمینه اصل پوشش زنان در جامعه خویش کمبودی نمی دیده است، با تأیید حدود و کیفیت پوشش رایج آن دوران، کوشید تا با پندهای خود ریشه های درونی پوشش را تعمیق و مستحکم نموده، عامل درون را ضامن اجرا و پشتوانه استمرار و استواری پوشش معمول قرار دهد.

آیین یهودیت

ویل دورانت می نویسد: اگر زنی به نقض قانون یهود می پرداخت، چنان که مثلاً بی آن که چیزی بر

۱. «سدره» که جامعه دینی ویژه زرتشتیان است باید از نه پاره پارچه سفید و نازک دوخته شده و در زیر پیراهن چسبیده به بدن پوشیده شود. سدره در اوستا "ستره" نامیده و به معنای جامه نیک اندیش است.

۲. کمر بستن کشتی نشانه پیمان و کمر بستن به بندگی خداوند یکتا و آماده بودن برای پیروی از دستورات اوست.

سر داشت به میان مردم می‌رفت، و یا در شارع عام نخ می‌رشت، یا بر هر سنجی از مردان، درد دل می‌کرد، یا صدایش آن قدر بلند بود که چون در خانه‌اش تکلم می‌نمود، همسایگانش می‌توانستند سخنان او را بشنوند، در آن صورت، مرد حق داشت بدون پرداخت مهریه‌ای او را طلاق دهد. او همچنین می‌نویسد: ... و به استعمال سرخاب و سرمه، نکوهیده می‌شمردند. موافق بودند که مرد، باید برای پوشاک زن خویش سخاوتمندانه خرج کند؛ لکن غرض آن بود که زن، خود را برای شوهر خویش بیاراید نه برای سایر مردها (کهن، ترجمه گرگانی، ۱۳۸۲، ص ۱۸۶). در تأیید این که منشأ پوشش زنان یهودی، و جوب پوشش در شریعت موسی (ع) بوده، به داستان حضرت موسی و دختران شعیب می‌توان اشاره کرد که در آن، حضرت موسی به آنان امر کرد تا پشت سر او حرکت کرده و از پشت سر، او را به منزل پدرشان هدایت کنند. (رسولی محلاتی، ۱۳۵۳، ج ۲، ص ۶۹)

در نظر منتسکیو، از دست رفتن عفت زنان به قدری نواقص و معایب پدید می‌آورد و روح مردم را فاسد می‌کند که اگر کشوری بدان دچار گردد، در بدبختی‌های فراوان فرو می‌رود. به خصوص در حکومت دموکراسی از دست رفتن عفت، سبب بزرگ‌ترین بدبختیها و مفساد می‌شود و اساس حکومت را از بین می‌برد. بدین جهت، «در جمهوری نه تنها اخلاق فاسد بلکه تظاهر به فساد اخلاق و سبکی را نیز منع کرده اند؛ چه آن که عشوه‌گری و طنازی که از بیکاری زنها تولید می‌شود، نتیجه‌اش آن است که قبل از آن که خود زنها را فاسد کند، دیگران را فاسد می‌نماید» (منتسکیو، ترجمه مهتدی، ۱۳۶۲، ص ۳۲۵) حجاب در بین زنان قوم یهود، مطلبی نیست که کسی بتواند آن را مورد انکار یا تردید خود قرار دهد. مورخین، نه تنها از مرسوم بودن حجاب در بین زنان یهود سخن گفته‌اند، بلکه به افراطها و سخت‌گیریهایی بی‌شمار آنان نیز در این زمینه تصریح کرده‌اند. در کتاب «حجاب در اسلام» آمده است: «گرچه پوشش در بین عرب مرسوم نبود و اسلام آن را به وجود آورد، ولی در ملل غیر عرب، به شدیدترین شکل، رواج داشت. در ایران و در بین یهود و مللی که از فکر یهود پیروی می‌کردند، حجاب به مراتب شدیدتر از آنچه اسلام می‌خواست وجود داشت. در بین این ملتها وجه و کفین (صورت و کف دستها) هم پوشیده می‌شد. حتی در بعضی از ملتها سخن از پوشیدن زن و چهره زن نبود؛ بلکه سخن از پنهان کردن زن بود و این فکر را به صورت یک عادت سفت و سخت در آورده بودند» (اشتهاردی، ۱۳۸۴، ص ۵) در تورات از چادر و بُرقع و روبنده‌ای که زنان با آن سر و صورت و اندام خویش را می‌پوشانده‌اند، صریحاً نام برده شده است که نشانگر کیفیت پوشش زنان است. برای نمونه در کتاب «روت» می‌خوانیم: بوعز گفت: زنهار کسی نفهمد که این زن به خرمن آمده است و گفت: چادری که بر توست، بیاور و بگیر. پس آن را بگرفت و او شش کیل جو پیموده بر وی گذارد و به شهر رفت. و در مورد عروس یهودا می‌خوانیم: «پس رخت بیوگی را از خویشان بیرون کرد. برقی به رو کشید و خود را در چادری پوشید و به دروازه عینایم که در راه تمنه است، بنشست»؛ حتی به نزول عذاب در اثر آرایش دختران یهود برای بیگانگان پرداخته است در این زمینه در «تورات» آمده: «و خداوند می‌گوید از این جهت که دختران صهیون متکبرند و با گردن افراشته و غمزات چشم، راه می‌روند و به ناز می‌

خرامند و به پاهای خویش خلخالها را به صدا می آورند؛ بنابراین، خداوند فرق سر دختران صهیون را کل خواهد ساخت و خداوند، عورت ایشان را برهنه خواهد نمود. و در آن روز، خداوند زینت خلخالها و پیشانی بندها و هلالها را دور خواهد کرد. و گوشوارها و دستبندها و روبندها و انگشترها و حلقه های بینی را و رداها و شالها و کیسه ها را. و آینه ها و کتانهای نازک و عمامه ها و برقعها را. و واقع می شود که: به عوض عطریات، عفونت خواهد شد و به عوض کمر بند، ریسمان و عوض موهای بافته، کلی و به عوض سینه بند، زنار پلاس و به عوض زیبایی، سوختگی خواهد بود. مردانت به شمشیر و شجاعانت در جنگ خواهند افتاد. و دروازه های وی ناله و ماتم خواهند کرد و او خراب شده، بر زمین خواهد نشست». (کتاب مقدس، پیدایش، ۳۸: ۱۵-۱۴)

ویل دورانت، در این مورد می گوید: در طول قرون وسطا، یهودیان همچنان زنان خویش را بالبسه فاخر می آراستند، لکن به آنها اجازه نمی دادند که با سر عریان به میان مردم روند. نپوشاندن موی سر، خلافی بود که مرتکب را مستوجب طلاق می ساخت. از جمله تعالیم شرعی یکی آن بود که مرد یهودی نباید در حضور زنی که موی سرش هویداست، دست دعا به درگاه خدا بردارد. او در توصیف زنان یهودی می گوید: «زندگی جنسی آنان علی رغم تعدد زوجات، به طرز شایان توجه، منزله از خطایا بود. زنان آنان دوشیزگانی محجوب، همسرانی ساعی، مادرانی پیرزا، و امین بودند و از آنجا که زود وصلت می کردند، فحشاء به حداقل، تخفیف پیدا می کرد». (دورانت، ترجمه آرام و همکاران، ۱۳۶۵، ج ۱۲، ص ۶۳-۶۲) در کتاب مقدس یهودیان، موارد متعددی یافت می شود که به طور صریح و یا ضمنی، پوشش زن و مسائل مربوط به آن، مورد تأیید قرار گرفته است. در برخی از آنها لفظ «چادر» و «برقع» به کار رفته است که نشانگر کیفیت پوشش زنان آن عصر است. در مورد پوشش کامل در مقابل نامحرم در «سفر پیدایش» تورات چنین می خوانیم: «ورفقه، چشمان خود را بلند کرد و اسحاق را دید و از شتر خود فرود آمد؛ زیرا که از خادم پرسید: این مرد کیست که در صحرا به استقبال ما می آید؟ و خادم گفت: آقای مناست. پس برقع خود را گرفته، خود را پوشانید». (کتاب مقدس، ۲۴: ۶۵-۶۴).

برخورد حضرت موسی (ع) به سبب رعایت حیا و عفت با دختران شعیب، که به آنان فرمود، تا پشت سر او حرکت کرده و از پشت سر، او را به منزل پدرشان هدایت کنند تأکیدی بر این فرهنگ است. (کتاب مقدس، پیدایش، ۱۵: ۳۸)

آیین مسیحیت

در کتاب مقدس آمده است: پولس در رساله خود به قدنتیان تصریح می کند: «اما می خواهم شما بدانید که سر هر مرد، مسیح است و سر زن، مرد و سر مسیح خدا. هر مردی که سر پوشیده دعای نبوت کند، سر خود را سوا می نماید. اما هر زنی که سر برهنه دعا کند، سر خود را رسوای سازد؛ زیرا این چنان است که تراشیده شود؛ زیرا اگر زن نمی پوشد، موی را نیز ببرد و اگر زن راموی بریدن یا تراشیدن قبیح است، باید پوشد؛ زیرا که مرد را نباید سر خود را بپوشد؛ چونکه او صورت و جلال خداست، اما زن جلال مرد است؛ زیرا که مرد از زن نیست؛ بلکه زن از مرد است و نیز مرد به جهت زن آفریده نشده، بلکه زن برای مرد. از این جهت زن می باید عزتی بر سر داشته باشد، به سبب فرشتگان، در دل خود انصاف

دهید آیا شایسته است که زن ناپوشیده نزد خدا دعا کند» (کتاب مقدس، ۱۱: ۱۴-۳) بنابراین استدلال، وقتی برای دعا و مناجات با خدا لازم است، سر زن پوشیده باشد، به هنگام رو به رو شدن با نامحرم پوشش سر لازم تر خواهد بود.

«در فرهنگ غیرروحانی مغرب زمین، پوشاندن مو، نشانه‌ای از فروتنی و پاکدامنی شمرده می‌شد. تاج گیسوان یک زن، هنگامی که پنهان بود، سبب برانگیختن خواهش مردان نمی‌شد. پوشش گیسوی زنان، این معنای آشکار را می‌رساند که او زیبایی‌اش را تنها برای چشمهای همسرش نگاه می‌دارد.» (محمّدی آشنایی، ۱۳۷۸، ص ۱۷۴)

و در کتاب مقدس در بیان پند به زنان می‌نویسد: «و اما شما ای زنان، مطیع شوهران خود باشید تا چنانچه بعضی از ایشان نیز به انجیل ایمان نیاورده باشند، با دیدن رفتار شما ایمان بیاورند؛ زیرا رفتار خوب و توأم با احترام یک زن، بهتر از سخنان او درباره مسیح، در دل شوهر اثر می‌گذارد. برای زیبایی به آرایش ظاهری نظیر جواهرات و لباس‌های زیبا و آرایش گیسوان توسل نجوید، بلکه بگذارید باطن و سیرت شما زیبا باشد. باطن خود را با زیبایی پایدار یعنی با روحیه آرام و ملایم زینت دهید که مورد پسند خداست. این گونه خصایل در گذشته در زنان مقدس دیده می‌شد. ایشان به خدا ایمان داشتند و مطیع شوهران خود بودند. سارا همسر ابراهیم نیز چنین بود. او از شوهرش اطاعت می‌کرد و به او چون سرپرست خانواده احترام می‌گذاشت، شما نیز اگر دختران آن بانوی بزرگوار باشید و راه خوب او را در پیش گیرید، دیگر ترس و نگرانی نخواهید داشت از اینکه ممکن است شوهرانتان از شما برنجدند.» (کتاب مقدس، نامه اول پطرس، ۳، ۱۳۸۰: ۶-۱)

در روایات نیز چنین آمده است: حضرت عیسی (ع) فرمود: از نگاه کردن به زنان پرهیزید، زیرا شهوت را در قلب می‌رویاند و همین، برای ایجاد فتنه در شخص نگاه کننده کافی است (قمی، ۱۳۱۹، ج ۲، ص ۵۹۶)

آیین اسلام

اسلام که آخرین آیین الهی و کامل‌ترین دین است و برای همیشه و همه بشریت، از طرف خداوند عالم، نازل شده است، لباس را «هدیه الهی» معرفی نموده و وجوب پوشش زنان را به جامعه بشری ارزانی داشته است. از انحرافات و یا افراط و تفریط‌هایی که پیرامون پوشش زنان وجود داشته است، اجتناب نموده و در تشریح قانون، حد و مرزی متناسب با غرایز انسانی را در نظر گرفته است. در پوشش اسلامی، سهل‌انگاری‌های مضر و سختگیریهایی بی‌مورد، وجود ندارد. پوشش اسلامی آنگونه که غرب تبلیغ می‌کند، به معنای حبس زن در خانه یا پرده‌نشینی و دوری از شرکت در مسائل اجتماعی نیست؛ بلکه بدین معناست که زن در معاشرت خود با مردان بیگانه، موی سر و اندام خود را بپوشاند و به جلوه‌گری و خودنمایی نپردازد. با توجه به غریزه قدرتمند جنسی، احکام و دستوره‌های اسلام، تدابیری است که خداوند برای تعدیل و رام کردن و همچنین ارضای صحیح این غریزه، تشریح فرموده است.

در قرآن کریم، آیاتی چند به طور صریح، در مورد وجوب پوشش و حد و کیفیت آن نازل شده است. در آیه ۳۱ نور آمده است: «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ

مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ...»
 «و به بانوان با ایمان بگو چشمهای خود را فرو پوشند و عورت‌های خود را از نگاه دیگران پوشیده نگاه دارند و زینتهای خود را جز آن مقداری که ظاهر است، نمایند و زینت‌های خود را آشکار ن سازند، مگر برای شوهرانشان، پدرانشان، پدر شوهرانشان و...».

در این آیه چندین نکته قابل توجه در رعایت و وجوب پوشش حائز اهمیت است که به یک نکته اشاره می‌کنم از جمله مقصود از «خمار آن جامه‌ای است که زن سر خود را با آن می‌پيچد و زاید آن را به سینه اش آویزان می‌کند. (طباطبائی، ۱۳۸۹، ج ۱۵، ص ۱۵۶) منظور همین مقنعه یا روسری امروزی است که قابل استفاده می‌باشد.

همچنین در سوره احزاب: ۵۹ می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزُوجَكَّ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ» (ای پیامبر! به همسران و دختران خویش و بانوان با ایمان بگو که روپوش خود را بگیرند تا به عفاف و حریت شناخته شوند و مورد آزار و تعرض هوسرانان قرا نگیرند)

مقصود از {دینین علیهن من جلابیهن، نزدیک ساختن جلباب}؛ پوشیدن با آن می‌باشد؛ یعنی زنان وقتی می‌خواهند از خانه بیرون بروند روسری بزرگ خود را با خود بردارند؛ وقتی که به زن بگویند، جامه‌ات را به خود نزدیک کن مقصود این است که آن را رها نکن، آن را جمع و جور کن، آن را بی اثر و بی خاصیت رها نکن و خود را با آن بپوشان.

گفتنی است «استفاده از روپوشهای بزرگ که در صدر اسلام بر سر می‌افکنده‌اند دوجور بوده است که یک نوع صرفاً جنبه تشریفاتی و اسمی داشته است. همچنانکه در عصر حاضر با چادرهیج جای از بدن خود رانمی‌پوشانند، آن را رها می‌کنند. وضع چادر سر کردنشان نشان میدهد که اهل پرهیز از معاشرت با مردان بیگانه نیستند و از این که مورد بهره برداری چشمها قرار بگیرند ابا و امتناعی ندارند. نوع دیگر برعکس بوده و هست: زن چنان با مراقبت جامه‌های خود را به خود می‌گیرد و آن را رها نمی‌کند که نشان می‌دهد اهل عفاف و حفاظ است و خود به خود دوربازی ایجاد می‌کند و ناپاکدلان را مأیوس می‌کند.» (مطهری، ۱۳۸۶، ص ۱۶۰)

به عبارتی در قرآن دو دستور در خصوص حد پوشش زنان آمده است: پوشش حداقلی و پوشش حداکثری. در پوشش حداقلی بعد ظاهری آن همان چیزی است که در قرآن از آن به خمار اشاره شده است؛ یعنی زن مسلمان در هر جای دنیا می‌تواند به شکلی که زنهای پاکدامن و عقیف آن منطقه لباس می‌پوشند، در آید؛ البته با حفظ دستورهای قرآن، یعنی افزودن مکمل‌هایی به آن به گونه‌ای که کل بدن به جز گردی صورت و دستها تا مچ پوشیده باشد. در پوشش حداکثری، که رتبه اول پوشش که همان پوشش برتر است کلید واژه جلباب را داریم. این واژه را اهل لغت و مفسران معنا کرده‌اند به چیزی شبیه چادر امروزی؛ به طوری که تقریباً سرتاسر اندام و برجستگی‌های بدن را بپوشاند. (آذرتاش، ۱۳۷۶)

بی‌نیازی از پوشش، از شبهاتی است که به گونه‌ای جدی در جامعه مطرح می‌باشد؛ به طوری که متأسفانه نگاه منفی به این فرهنگ ملی اسلامی جامعه را فرا گرفته است. در حالی که در ایران باستان، چادر

قبل از حضور اسلام به عنوان مقوله‌ای «ملی» باز خورد داشت تا بدانجا که برخی اندیشمندان، پوشش اسلامی را نتیجه تعامل فرهنگی بین اعراب و ایرانیان دانسته‌اند؛ اما صحیح آن است که مبانی فقهی و احکام اسلامی از آنجا که بر مبنای فطرت و ارزش‌های والای بشری بنا نهاده شده است با مهر تأیید زدن بر پوشش ایرانی موجب تقویت و اعتلای فرهنگ پوشش که اکنون مترادف با پوشش اسلامی است، می‌باشد.

پاسخ به این شبهه ضروری است که چرا زنان به خاطر مردان باید پوشش داشته باشند؟ در پاسخ می‌بایست گفت: که خدای متعال در قرآن نمی‌فرماید: زنها پوشش را رعایت کنند تا مردان به سعادت برسند، مردان پاک زندگی کنند، مردان اذیت نشوند و یا مردان دچار هیجانات غیر اخلاقی نگردند. به هیچ وجه مردان به عنوان بهره‌مند از قانون پوشش مطرح نیستند، هدف اولیه پوشش، رساندن منفعت به زنان است، لذا قرآن کریم می‌فرماید: {ذَلِكْ اَدْنٰى اَنْ يَعْرِفْنَ} پوشش برای آن است که زن شناخته شود، پوشش برای مهجور ماندن زن نیست؛ بلکه پوشش برای شناخته شدن زنان است، تا زن ابعاد زنانگی‌اش دور از دسترس و غیرظاهر باشد و اسیر نگاه‌های زود گذر و رغبت‌های خام و هیجانات مردان نشود؛ بلکه با سرمایه انسانی‌اش شناخته شود و با حیثیت انسانی‌اش با جامعه تعامل پیدا کند و جامعه هم او را با ابعاد انسانی‌اش ببیند، در حقیقت پوشش و عفاف، موهبتی است که به زن فرصت می‌دهد شخصیت انسانی‌اش ملموس و زیباتر باشد؛ اینکه در ادامه آیه می‌فرماید: «فلا يؤذین» پوشش برای آن است که زن اذیت نشود همه دلواپسی زن است نه مرد، هدف پوشش و حفظ عفت و گوهره وجودی زن است؛ اما اینکه مردان هم از این پوشش بهره‌مند می‌شوند، خاصیت پوشش است؛ اما هدف اولیه نیست؛ چرا که بین خاصیت و هدف تفاوت است پس هدف پوشش، بهره‌مندی زنان است؛ اما خاصیت پوشش به گونه‌ای است که همه افراد یک جامعه نیز از این قانون الهی بهره‌مند می‌گردد.

نتیجه گیری

از مطالعه پیشینه فرآیند پوشش در ادیان آسمانی دریافت می‌شود که به طور یقین، پوشش در تمام ادیان و مذاهب آسمانی دارای جایگاه خاصی است از ظهور حضرت آدم بر زمین تا کنون پیروان ادیان الهی دارای پوشش مشخص بوده‌اند به طوری که این امر شامل یکی از ده فرمان حضرت موسی نیز می‌باشد تمام این ادیان، پوشش را واجب و لازم شمرده‌اند و جامعه بشری را به سوی آن دعوت کرده‌اند؛ زیرا لزوم پوشش به طور طبیعی از فطرت انسانها سرچشمه می‌گیرد و احکام و دستورهای ادیان الهی سازگار با فطرت انسانی تشریح شده است و کتابهای مقدس مذهبی، دستورها و احکام دینی، آداب و مراسم و سیره عملی پیروان این ادیان الهی، می‌تواند گواه برای اثبات این ادعا باشد.

گرچه تاریخ نگاران به زیاده‌رویها و سخت‌گیریهایی در این راستا صراحت دارند که قابل نقد می‌باشد؛ به طوری که در بسیاری از موارد زن از حق طبیعی خود محروم مانده است؛ اما نکته مهم این است که پوشش منحصر به آیین و مذهب خاصی از جمله اسلام نیست. دلیل بر این مطلب اینک نویسندگان اروپایی نیز تاریخ پوشاک را بررسی کرده و از هر قوم و ملتی که سخن رانده‌اند، پوشش نسبتاً کامل آنها را نشان می‌دهد. تحقیقات نشان می‌دهد که فقط پیروان ادیان مذهبی خود را موظف به رعایت پوشش مناسب

نمی‌دیده‌اند، بلکه همه اقوام و ملل به این امر توجه داشته‌اند. مثلاً "مسیحیت، برای از بین بردن زمینه هرگونه تحریک و تهییج، زنان را به صورت شدیدتری به رعایت کامل پوشش و دوری از هرگونه آرایش و تزئین فرامی‌خواند. در متون تاریخی، چادر و روبند، برای همگان حتی برای خاتون‌های اشراف ضروری بود. در اعیاد نیز، کسی آن را کنار نمی‌گذاشت؛ بلکه با طلا و نقره و پارچه‌های زربافت آن را تزئین می‌نمودند و حتی برای تفریح نیز با حجب و حیای کامل در مجالس انس یا گردش‌هایی دور از چشم نامحرمان، شرکت می‌جستند.

همچنین از مطالعه چگونگی پوشش و تاریخ گذشته این موضوع در ایران باستان و ایران بعد از طلوع اسلام برمی‌آید، ایرانیان از عهد کهن تا چندی پیش درباره لباس پوشیدن تغییر نگرش اساسی نداشته‌اند، اگر چه در گذر زمان سعی کرده‌اند، شیوه لباس پوشیدن را متناسب با شرایط و مقتضیات زمانه خود هماهنگ سازند، ولی آنچه به نظر می‌آید، این است که در گذر زمان تغییرات اساسی به دنبال نداشته است.

بنابراین از بررسی و مقایسه حد و کیفیت پوشش در ادیان چهارگانه استنباط می‌گردد که پوشش در ادیان دیگر، نسبت به اسلام از شدت بیشتری برخوردار بوده است. به طور مثال، پوشاندن صورت، گرچه در زمان زرتشت معمول نبوده و بعد از او در میان زرتشتیان معمول شده است؛ اما طبق آنچه گذشت، چادر و روبنده از ارکان اخلاقی مسیحیان و یهودیان محسوب می‌شده است؛ در حالی که بنابر نظر اکثر فقهای اسلامی، پوشاندن صورت واجب نیست. لزوم کناره‌گیری کامل زن در حیض در دین زرتشت، محقق دانستن مرد در طلاق زنی که صدایش در کوچه شنیده شده بدون پرداخت مهریه از طرف دین یهود، رکن بودن چادر و روبنده و ذکر نام آن دو به طور صریح در کتاب مقدس مسیحیان و وجوب سکوت زن نزد بیگانه و در کلیسا از طرف مسیحیت، بهترین گواه بر این مطلب است. بنابراین، نه تنها اسلام واضح قانون پوشش نبوده است، بلکه در جهت جلوگیری از افراط و تفریط‌هایی که در طول تاریخ در مورد این مهم به وجود آمده بود، به قانونمند کردن و تنظیم آن همت گماشته است و آن را به صورتی متعادل، صحیح و متناسب با فطرت انسانی زن و غیرتمندی مرد، ارائه نموده است.

منابع

- «قرآن کریم»
- «کتاب مقدس»؛ عهدعتیق و جدید (تورات و انجیل).
- «اوستا»
- اشتهااردی، ابوالقاسم؛ (۱۳۸۴). «الحجاب فی الاسلام»، قم، نشر محمد.
- آذرتاش، آذرنوش؛ (۱۳۷۹). «فرهنگ معاصر»، تهران، نشر نی.
- الهی، حکیم، بی تا، مترجم: احمد مذهب، تهران، چاپ خانه و کتابفروشی مرکزی، تاریخ نشر دوره رضاشاه.
- پوربهمن، فریدون؛ (۱۳۸۶). «پوشاک در ایران باستان»، مترجم: هاجر ضیاء سیکارودی، تهران، امیر کبیر.
- پورداوود، ابراهیم؛ (۱۳۱۰). «خرده اوستا»؛ بمبئی، انتشارات انجمن زرتشتیان.
- چیت ساز، محمدرضا؛ (۱۳۷۹). «تاریخ پوشاک ایرانیان»، تهران، سمت.
- حمزه، عباس؛ (۱۳۸۵). «حجاب در ادیان الهی»، قم، نشر یاقوت.
- دورانت، ویلیام جیمز؛ «تاریخ تمدن»، ترجمه احمد آرام و همکاران، (۱۳۶۵)، تهران، سازمان انتشارات انقلاب اسلامی، ج ۱۱ و ۱۲.
- رسولی محلاتی، هاشم؛ (۱۳۵۳). «تاریخ انبیاء»؛ تهران، انتشارات علمیه اسلامی، ج ۲.
- شهزادی، رستم؛ (۱۳۶۷). «گاتهاسر و دهای زرتشت پیامبر»، تهران، انجمن زرتشتیان.
- شهشهبانی، سهیلا؛ (۱۳۷۴). «تاریخچه پوشش سر در ایران»؛ تهران، انتشارات مدبر.
- ضیاپور، جلیل؛ (۱۳۴۹). «پوشاک زنان ایران از کهن ترین زمان تا آغاز شاهنشاهی پهلوی»، تهران، وزارت فرهنگ و هنر.
- طباطبایی، محمدحسین؛ (۱۳۸۹). «تفسیر المیزان»، مترجم: محمد باقر موسوی همدانی، قم، انتشارات اسلامی، ۲۰ جلد، ج ۲.
- غیبی، مهر آسا؛ (۱۳۸۴). «تاریخ پوشاک اقوام ایرانی»، تهران، هیرمند.
- قمی، عباس؛ (۱۳۱۹/۵/۱۲۵۶ ق). «سفینه البحار و مدینه الحکم والآثار»، تهران، بی نا، ج ۲.
- کهن، آبرهام؛ (۱۳۸۲). «گنجینه ای از تلمود»، مترجم: امیر فریدون گرگانی، تهران، اساطیر.
- متین، پیمان؛ (۱۳۸۶). «پوشاک ایرانیان»؛ تهران، دفتر پژوهشهای فرهنگی.
- محمدی آشنایی، علی؛ (۱۳۷۸). «حجاب در ادیان الهی»، قم، نشر یاقوت.
- مطهری، مرتضی؛ (۱۳۸۶). «مسأله حجاب»، تهران، صدرا.
- منتسکیو، شارل؛ (۱۳۶۲). «روح القوانين»؛ مترجم: علی اکبر مهتدی، تهران، انتشارات امیر کبیر، ج ۱.